

تقی‌الدین علی بن عبدالکافی سبکی

درمان جان

در

زیارت خاتم پیامبران

ترجمه و تحقیق
حسین صابری



سرشناسه	سبکی، علی بن عبدالکافی، ۶۸۳-۷۵۶ق.
عنوان قراردادی	شفاءالنقام فی زیارة خاتم خیرالانام (ص). فارسی
عنوان و نام پدیدآور	درمان جان در زیارت خاتم پیامبران/ نویسنده: تقی الدین علی بن عبدالکافی سبکی؛ مترجم: حسین صابری.
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	پنجاه و هشت، ۴۱۵ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۸۱۰-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۳۸۷] - ۴۱۴.
موضوع	محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- آرامگاه -- زیارت.
موضوع	ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، ۶۶۱-۷۲۸ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	زیارت و زائران -- احادیث اهل سنت
موضوع	زیارت و زائران -- نظر وهابیه
موضوع	زیارت و زائران -- دفاعیه ها و ردیه ها
موضوع	توسل -- احادیث اهل سنت
موضوع	توسل -- نظر وهابیه
موضوع	وهابیه -- دفاعیه ها و ردیه ها
شناسه افزوده	صابری، حسین، ۱۳۲۵-، مترجم.
شناسه افزوده	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ۷۰۴۱ ش ۲/۵/۲۶۲ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۷۶۳۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۳۶۶۹۸

درمان جان در زیارت خاتم پیامبران

نویسنده: تقی الدین علی بن عبدالکافی سبکی

مترجم: حسین صابری

چاپ نخست: ۱۳۹۴؛ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتبیبه

حق چاپ محفوظ است.



ندای نیایش

شرکت انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰ - ۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴؛ آدرس اینترنتی: www.elmfarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

www.ketabgostarco.com info@ketabgostarco.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۱۶ - ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۸۸۳۴۳۸۰۶ - ۷
فروشگاه سه: جمهوری، چهارراه شیخ هادی، نیش رازی، پلاک ۶۹۹
فروشگاه چهار: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی (نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)

فروشگاه پنج: خیابان کارگر شمالی، روبه روی پارک لاله، نیش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

یادداشت محقق متن عربی.....	نه
معرفی نسخه‌های خطی مورد استناد در تصحیح متن عربی.....	پانزده
زندگینامه مؤلف.....	هفده
نام و نسب او.....	هفده
زندگینامه عمومی.....	هجده
عهده‌دار شدن سمت قضاوت.....	بیست
مناصب علمی وی.....	بیست و یک
سیما و سیرت وی.....	بیست و دو
دانش و اجتهاد وی.....	بیست و سه
شاگردان او.....	بیست و نه
ستایش پیشوایان از او.....	سی و سه
درگذشت وی.....	سی و هفت
آثار و تألیف‌های او.....	سی و هشت
مقدمه مؤلف.....	پنجاه و پنج

باب اول: احادیث مشتمل بر واژه صریح «زیارت»

حدیث نخست.....	۱
----------------	---

حدیث دوم	۱۶
حدیث سوم	۱۸
حدیث چهارم	۲۳
حدیث پنجم	۳۴
حدیث ششم	۳۷
حدیث هفتم	۴۰
حدیث هشتم	۴۲
حدیث نهم	۴۴
حدیث دهم	۴۷
حدیث یازدهم	۴۸
حدیث دوازدهم	۵۱
حدیث سیزدهم	۵۲
حدیث چهاردهم	۵۵
حدیث پانزدهم	۵۷

باب دوم: احادیث و اخبار حاکی از فضیلت زیارت

[فصل اول: پاسخ پیامبر ﷺ به سلام زائران]	۵۹
[فصل دوم: آگاهی پیامبر ﷺ از کسانی که به او سلام کنند]	۶۶

باب سوم: آنچه درباره سفر زیارت آمده و این که چنین سفری از دیرباز تاکنون رواج داشته است

باب چهارم: سخنان صریح عالمان در استحباب زیارت قبر سرورمان پیامبر خدا ﷺ

باب پنجم: اثبات این که زیارت مایه تقرب است

[استدلال به کتاب]	۱۲۳
[استدلال به سنت]	۱۲۶
[استدلال به اجماع]	۱۲۷
[استدلال به قیاس]	۱۳۱

باب ششم: سفر به هدف زیارت پیامبر ﷺ مایه قربت و عبادت است

باب هفتم: پاسخ به شبهه‌های مخالف و پی‌جویی سخن او

فصل اول: شبهه‌های مخالف ۱۷۷

فصل دوم: پی‌جویی سخنان ابن تیمیه ۲۰۹

باب هشتم: درباره توسل، استغاثه و شفاعت طلبیدن از پیامبر ﷺ

باب نهم: درباره زنده بودن پیامبران علیهم‌السلام

فصل اول: روایت‌هایی که درباره حیات پیامبران رسیده است ۲۷۳

فصل دوم: درباره شهیدان ۲۹۱

فصل سوم: درباره عموم مردگان و شنیدن، سخن گفتن، ادراک و حیات آن‌ها و بازگشت روح به تن ۲۹۷

فصل چهارم: [تفاوت یادشدگان] ۳۱۲

فصل پنجم: [چگونگی حصول حیات پس از موت] ۳۱۷

باب دهم: شفاعت

فصل ۱: توسل به پیامبران در دنیا و آخرت ۳۵۴

فصل ۲: حکمت ختم شفاعت‌خواهی مردمان به شفاعت‌خواهی از پیامبر ﷺ ۳۵۴

فصل ۳: توضیح یک ایهام در حدیث ۳۵۵

فصل ۴: شفاعت همه آنان که «لا اله الا الله» گویند ۳۶۱

فصل ۵: نادرستی پندار کراهت شفاعت خواستن ۳۶۴

فصل ۶: درباره «مقام محمود» ۳۶۵

فصل ۷: شفاعتی ویژه ۳۶۶

خاتمه ۳۶۹

پی‌نوشت ۳۸۳

انجامه نسخه [۱] ۳۸۳

۳۸۳.....	متن سماع نسخه [أ]
۳۸۵.....	متن سماع پسر مؤلف
۳۸۵.....	انجامه نسخه [ب]
۳۸۷.....	کتابنامه

یادداشت محقق متن عربی

بر خداوند تکیه می‌کنیم و از او یاری و توفیق می‌طلبیم
خداوند را می‌ستاییم و از او مدد می‌جوییم و از شرّ نفس خویش و اعمال ناشایست
خود به خدا پناه می‌بریم. خداوند، از دانشی که سود نرساند و از هوسی که از آن پیروی
شود به تو پناه می‌برم.

درود و سلام کامل و تمام بر سرور و وسیله ما، شفیع و راهنمای ما محمد بن عبدالله
که خداوند او را مایه هدایت و رحمت و نور فرستاد.

خداوند، مرا، خاندان مرا، همه کسان مرا و همه آنان را که برای تو دوستشان می‌داریم
و برای تو ما را دوست می‌دارند از کسانی قرار ده که کردارشان گواهی بر دانسته‌هایشان
باشد و دوستی تو و دوستی پیامبرت پایه کردار و سرچشمه دانش و تکیه‌گاه تقوایش
باشد، و همه را در گروه حبیب ما، محمد ﷺ، محشور بدار و در آنچه خشنودی تو و
خرسندی حبیب تو در آن است به کار گمار.

باری، بزرگداشت جایگاه پیامبر ﷺ و دفاع از آن حضرت کاری است که بر هر
مسلمانی واجب و نشانه‌ای بزرگ برای مؤمن راستین عاشق است. چونان که کاستن یا
پایین آوردن منزلت بزرگ آن حضرت کاری است که موجب کیفر بزرگ و نشانه آشکار
کندن جامه اسلام از تن و سبب وجوب سخت‌ترین کیفرها در برابر این لغزش است.

بزرگ داشتن جایگاه پیامبر ﷺ و ارج نهادن به او لوازمی گریزناپذیر و جدانشدنی
دارد و مطالعه سیره و زندگانی آن حضرت، زیارت او، توسل جستن به او و اقتدا به او به

عنوان الگوی والا و قدوه شایسته در همه شئون زندگی روزمره و همه آیین‌ها و عبادت‌ها اعم از واجب و مستحب که لازمه این اقتدا باشد از آن جمله است.

آن کس که سیره پیامبر ﷺ را نه به مثابه داستانی برای خواندن، بلکه از موضع تأمل و درس‌آموزی و با روحی آکنده از محبت و عشق و دلدادگی به فهمیدن و کشف جزئیات این سیره خجسته مطالعه کند، بی‌هیچ تردید و گمانی احساس او از عظمت جایگاه و بلندی منزلت پیامبر ﷺ در جان و روحش قدرت و ژرفا گیرد و نزد او اراده‌ای قوی و غیرتی سخت در برابر کمترین سوء ادب در محضر آن جناب و حتی به کار گرفتن نادرست واژه‌ها و تعبیرها در تبیین سیره آن حضرت، خواه در یک کتاب و خواه در یک انجمن یا حتی در خلال یک مدح و توصیف شکل گیرد.

مقوله زیارت پیامبر ﷺ و توسل جستن به آن حضرت از مقوله‌های در پیوسته با موضوع بزرگداشت منزلت آن حضرت است؛ و شناخت فضل و نعمت او بر همه ما مسلمانان فرض است و نزد سلف صالح ما — که خداوند از همه آنان خشنود باد — هیچ اما و اگری در این موضوع و هیچ گفت و شنودی در این مبحث به طور کامل وجود نداشته و مقوله‌هایی چون زیارت پیامبر ﷺ، توسل به آن حضرت و یا سفر به آهنگ زیارت او نه کانون نقد و گفت و گو بوده و نه در جزئیات آن چانه‌زنی یا مجادله‌ای صورت می‌پذیرفته است؛ زیرا هر یک از این امور زمینه بروز تردید در میان دست به کارانش می‌شده و در همه آنچه به ساحت پیامبر اکرم ﷺ مربوط می‌شده هیچ جایی برای نقد و نقض نبوده و جان و روان و دل و روح همگان از ایمانی استوار به کلیت و تفصیل گرامیداشت و ارج نهادن به پیامبر ﷺ آکنده بوده و این وضعیت از روزگار نخست تا واپسین سال‌های سده هفتم هجرت ادامه داشته است.

اما در این دوران فتنه جدال درباره زیارت پیامبر ﷺ و توسل به آن حضرت رخ نمود و ابن تیمیه مخالفتی گسترده در این عرصه آغازید و در این باره آن اندازه در نفی و مخالفت پیش رفت که همه کسانی را که با او هم‌رأی نبودند به شرک و به همانندی با یهودیان و مسیحیان و به غلو در پرستش قبور متهم ساخت و حتی یاران و پیروانش نیز از نیل به این القاب و متهم شدن به آن‌ها بی‌بهره نماندند!

پس گروهی از عالمان بزرگ آن روزگار و روزگاران پسین تا عصر حاضر به نقد آرا و نابخردانه خواندن اندیشه‌های ابن تیمیه و افشای بی‌پروایی‌های گران او پرداختند، هر چند از این میان تنها شهرت مخالفت با ابن تیمیه در موضوع زیارت ساحت پیامبر ﷺ

بر همه این نقدها و ردیه‌ها سایه افکند و این در حالی بود که شماری چند از عالمان به تناقض‌گویی‌ها و نادرستی‌هایی در عقیده او پرداخته بودند که او خود دیگر کسان را به جرم اظهار کمتر از آن تکفیر کرده و نسبت‌های گران و ناروا بدیشان داده بود. در این میان لجاجت فراوان و عناد سخت ابن تیمیه که بزرگ‌شمزندگان او آن را در راه حق قلمداد می‌کنند او را — و پناه بر خدا — به ظلمت ضلال درافکند و به جسارت در بازگویی حق و ناحق واداشت، چندان که پنداشت تنها آنچه او می‌بیند و بدان عقیده دارد درست است و نه هیچ چیز دیگر!

بدین سان، روی در گزافه‌گویی نهاد، بی‌آنکه بر راه باشد و دریابد چه می‌گوید و چه تقریر می‌کند. از آن سخنان و تقریرها شمه‌ای را کتاب‌های تاریخ و شرح حال ثبت کرد و به دست طرفداران و تقدیس‌کنندگان او از آسیب روزگار و مفقود شدن رست و به ما رسید. آنچه از کتاب‌های تاریخ از جسارت‌ها و رفتارهای بی‌منطق ابن تیمیه که به همان اندازه سخیف و خنده‌آور نیز هست برای ما ثبت کرده، از مقدار خودبرتربینی و خودشیفتگی ابن تیمیه و اعجاب او به آرا و اندیشه‌های خویش پرده برمی‌دارد. یکی از این نمونه‌ها حکایتی است که صفدی در کتاب خود *الوافی بالوفیات* آورده است، آن‌جا که می‌گوید: «شیخ شمس‌الدین درباره‌ی او برایم نقل کرده و گفته است: او در دوران خردسالی نزد بنی المنجا بود. با آنان به گفت‌وگو پرداخت و آن‌ها مدعی چیزی شدند که او نمی‌پذیرفت. برایش کتابی از روایت‌های منقول آوردند. او چون در آن کتاب نگریست و از مضمونش آگاهی یافت از سر خشم آن را بر زمین افکند.

گفتند: تو چقدر بی‌باکی! کتابی را که کتاب علم است بر زمین می‌افکنی؟

بی‌درنگ پرسید: کدام یک از ما برتریم؟ من یا موسی علیه السلام؟

گفتند: موسی علیه السلام.

پرسید: کدام یک از این دو بهتر است: این کتاب یا الواح سنگی که در آن ده کلمه بود؟ گفتند: آن الواح.

گفت: موسی علیه السلام چون خشمگین شد آن الواح را از دست بر زمین افکند — یا سخنی چنین گفت»^۱.

خدایتان رحمت کناد! در این منقبت [!] که ابن قیم برای استاد خود ذکر می‌کند درنگ کنید و بنگرید که چگونه ابن تیمیه در افکندن، خود را به موسی علیه السلام تشبیه کرده است که

لوح‌ها را بر زمین افکند. نقل‌کننده این داستان یعنی ابن‌قیم دریافته است که سرورمان موسی علیه السلام آن هنگام که الواح را بر زمین افکند، از کردار سامری و از این خشمگین بود که می‌دید او گوساله را خدای بنی‌اسرائیل کرده است، و هرگز خشم او از اثبات حقی نبود که ابن‌تیمیه منکر آن بوده است.

بایسته بود این گفته‌های نابخردانه و این اهانت به سرورمان موسی علیه السلام پوشانده می‌ماند و ابن‌قیم آن را به مثابه منقبتی برای استاد خود ذکر نمی‌کرد.

روشن است آن که در خردسالی چنین باشد چگونه، آن‌سان که بیان خواهیم داشت، بعدها هوس‌هایش او را بدان می‌کشاند که دربارهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی بر زبان آورد که هیچ مسلمان مؤمن و محبی نمی‌تواند به خود اجازه دهد همانند آن را از ذهن بگذراند و یا در تصور آورد.

آری، این آوازهٔ ابن‌تیمیه در یاوه‌گویی در اغلب نقدها و ردهایی که به طور خاص بر اهل سنت دارد او را صاحب عقیدهٔ ناب [!] و امام یگانهٔ اهل سنت ساخته و ردیهٔ او بر زیارت و توسل و تبرک را بر بالاترین کرسی تحقیق و تبیین ادله و مغلوب کردن نشانده [!] و گفته‌های بی‌ربط او در مسائل عقیدتی و فقهی را به غفلت سپرده و بر تناقض‌گویی‌های او در بیان برخی مسائل و بر انحراف و تکروی‌های او در آن‌ها پرده افکنده است.

اینک در خدمتی که در این چاپ از کتاب *شفاء السقام* عرضه کرده‌ام تا اندازه‌ای کوشیده‌ام دروغ‌گویی و تهمت‌پراکنی ابن‌تیمیه را در آنچه به ناروا نفی یا اثبات می‌کند و یا به دروغ و به تهمت مدعی اجماع امت یا اتفاق پیشوایان بر آن، به همان نحو که خود تقریر کرده است، می‌شود روشن سازم.

گفتنی است که من ناخرسندی‌ای صرف از ابن‌تیمیه در سینه ندارم، از آن روی که در چشم آنان شیخ‌الاسلام است؛ بلکه من سربازی غیور برای دین و پیامبر خویش هستم و آن‌سان که آن یادش‌گان بی‌پروا و آشتی‌ناپذیر با هر کس که با ابن‌تیمیه مخالفت کند می‌جنگند، من نیز می‌گویم: پیروی از حق سزاوارتر از پیروی از کسان است.

من بی‌دلیل و بی‌آن‌که سخن ابن‌تیمیه را از متن کتاب‌هایش ذکر کرده باشم مدعی یاوه‌گویی از سوی او نشده‌ام و درباره‌اش سخنی به میان نیاورده‌ام.

از این روی، به جای آن‌که در برابر سخن گفتن کسان از نقد ابن‌تیمیه، شمشیر زبان و قلم بر ضد آن کسان از نیام دشنام و ناسزاگویی و فریاد و اسلام‌برکشند، امیدوارم هواداران ابن‌تیمیه به زشتی آنچه [از عقاید و گفته‌های ابن‌تیمیه] آشکار ساخته‌ایم بنگرند

و به اصلاح کار خویش پردازند و کاری کنند بهتر از بر زبان راندن اتهام به شرک و بدعت و خروج از مذهب حق و از این دست تعبیرها که جز خود ایشان ندانند و دریابند.

من که این حرف‌ها و واژه‌ها را می‌نگارم زبان حالم می‌گوید:

لکم الدین کله و لنا الشر	ک ففحن الخوارج السفهاء
نحن من خان کل شرع و دین	و علی الدین انتم الامناء
کل صوت سواکم شیطان	و کل رأی عداکم فحشاء
و عروق الایمان جفت لدینا	ولدیکم عروقه خضراء ^۱

خداوندا، ما را به حق تأیید فرما، هم مرا و هم آن را که هم عقیده ما است. خداوندا، حق را به ما حق بنمایان و پیروی از آن را روزیمان کن و باطل را به ما باطل بنمایان و دوری جستن از آن را روزیمان ده.

در پایان به منت و نیکی همه کسانی که از وقت و از دانش خویش به من بذلی کرده‌اند و از اندرز و خیرخواهی و راهگشایی ایشان بهره بسیار برده‌ام اعتراف می‌کنم، و از خداوند می‌خواهم ایشان را اجر و پاداش فراوان دهد، بر فضل و دانش آنان بیفزاید، نسل آنان را برکت دهد و پیامبر خدا ﷺ از جانب من بدیشان پاداش دهد.

همچنین ثواب خدمت به احیای این کتاب را تا زنده‌ام به روح سرور و معلم خود و آن‌که بر من فضل و منتی بسیار داشته است، پیشوای علامه سیدمحمد بن علوی مالکی حسنی — که خدایش رحمت کند — هدیه می‌کنم؛ که او را بر من حقوقی بسیار است و نمی‌توانم حق آن فضل و آن منت بگزارم. به فرزندان خود نیز وصیت می‌کنم که پس از من ثواب همه اعمال شایسته خود را به روح شریف او اهدا کنند. خداوند از او راضی باشد و او را راضی بدارد و همه ما را با حبیب خود مصطفی ﷺ و خاندان و همه یاران آن حضرت محشور بدارد — آمین!

خداوندا، بر سرورمان محمد ﷺ و بر خاندان او و بر همه یاران او تا روز رستاخیز سلام و درود و برکت و نعمت فرست.

حسین محمد علی شکری

مدینه منوره ۱۴۲۷/۱۱/۳ ق.

۱. همه دین از آن شما است و شرک از آن ما؛ که ما خوارج نابخردیم.

ما کسانی هستیم که به هر آیین و هر دینی خیانت ورزیده‌ایم و شما و تنها شما امینان دین هستید. هر بانگی جز بانگ شما آوای شیطان است و هر اندیشه‌ای جز اندیشه شما زشتی است. ریشه‌های ایمان نزد ما خشکیده و این ریشه و شاخسار نزد شما سبز و خرم است.

معرفی نسخه‌های خطی مورد استناد در تصحیح متن عربی

به شکر خداوند و حسن توفیق او، به دو نسخه از کتاب حاضر دست یافتیم: یکی نسخه‌ای مقابله‌شده با نسخه‌ی اصل متعلق به مؤلف از سوی صاحب نسخه که خط مؤلف به اثبات سماع آن و نیز دستخط فرزند او حاکی از سماع بخشی از نسخه‌ی خود نزد مؤلف را داراست و از سماع و مقابله‌ی آن از سوی جمع کثیری از عالمان و فاضلان و دیگر کسان به گواهی مؤلف نشان دارد.

این نسخه که از نسخ خطی کتابخانه‌ی خدابخش در شهر پتنا در هند است از این مشخصات برخوردار است: خط آن نسخ عادی است، برخی اوراق با خطی متفاوت کتابت شده، شامل ۳۲۸ صفحه و هر صفحه مشتمل بر ۲۱ سطر است و در پایان آن انجامه‌ای نقش بسته که از سماع مقابله‌ی صاحب نسخه و سماع گروهی از عالمان و همچنین سماع پسر مؤلف — و در این مورد تا باب چهارم — نزد پدر خویش حکایت دارد.

دیگری نسخه‌ی خطی از مجموعه نسخ خطی دارالکتب المصریه است، به خطی معمولی، دارای ۱۳۴ ورقه با ۲۱ سطر در هر صفحه، که به سفارش امام هبه‌الله بارزی شافعی کتابت شده است، این نسخه افتادگی‌هایی در برخی واژه‌ها و تصحیف‌هایی در برخی دیگر دارد.^۱

۱. ترجمه‌ی این انجامه‌ها در پایان کتاب آمده است. - م.

در مقابله کتاب حاضر به چاپ دائرة المعارف العثمانية در حیدرآباد دکن هم که چاپی آکنده از تصحیف و تحریف و افتادگی است رجوع کرده‌ایم. به هر روی، همه سعی خود را به کار بسته‌ام تا از رهگذر مقابله و تصحیح، متنی کامل و درست از کتاب بر پایه آنچه در دو نسخه یادشده به ما رسیده و نیز با مقایسه آن با چاپ هند فراهم آید.